

از نَکبه تا «فاز تخریب»: سود، سلب مالکیت، و اقتصاد سیاسی غزه

سلب مالکیت از فلسطینی‌ها واکنشی مقطعی به یک شوک امنیتی نیست. این یک پروژه استعماری بلندمدت است که توسط ایدئولوژی، ساختار اداری، و انگیزه‌های اقتصادی شکل گرفته است. اکتبر ۲۰۲۳ فرصتی تاکتیکی فراهم کرد — بهانه‌ای — برای تسریع این پروژه. لفاظی‌ها و طرح‌هایی که اکنون در جریان است (بسیج شهرک‌نشینان، سازمان‌دهی حزب لیکود، اظهارات وزارتی، و پیشنهادات سرمایه‌گذاران آمریکایی) بهتر است به‌عنوان نقشه‌برداری عملی از اهداف سلب مالکیتی قرن‌ها پیش بر انگیزه‌های سرمایه‌داری مدرن فهمیده شوند. همان‌طور که کارل مارکس در **سرمایه** مشاهده کرد، هنگامی که پتانسیل سود به اندازه کافی بالا باشد، سرمایه‌جسور می‌شود — حتی حاضر است قانون و اخلاق را برای کسب بازده به خطر بیندازد. برنامه کنونی غزه، خشونت گسترده را با یک سناریوی بازار محور ترکیب می‌کند، دقیقاً به این دلیل که بازده مورد انتظار (املاک ساحلی، خوشه‌های فناوری، و گاز فراساحلی) عظیم است.

نیت بنیادین: سلب مالکیت از ابتدا (دهه ۱۹۳۰-۱۹۴۸)

طرح سلب مالکیت از فلسطینی‌ها پس‌فکری نیست؛ این طرح در پایه‌های ایدئولوژیک و سیاسی پروژه شهرک‌نشین ریشه دارد. بیانیه‌های آرشیوی معاصر از بازیگران برجسته، منطق مورد نظر را روشن می‌کنند: پاکسازی زمین، جلوگیری از بازگشت، و انتقال اموال به جمعیت شهرک‌نشین. نَکبه (سلب مالکیت فاجعه‌بار سال ۱۹۴۸) اولین عملیاتی‌سازی عظیم این منطق بود.

«ما باید عرب‌ها را اخراج کنیم و جای آن‌ها را بگیریم... اگر مجبور به استفاده از زور باشیم... زور در اختیار ماست. انتقال اجباری [فلسطینی‌ها]... می‌تواند چیزی را به ما بدهد که هرگز نداشته‌ایم.» - دیوید بن‌گوریون، ۵ اکتبر ۱۹۳۷، نامه به پسرش

«جایی برای هر دو ملت وجود ندارد... حتی یک روستا، حتی یک قبیله نباید باقی بماند. عرب‌ها باید بروند، اما به یک لحظه مناسب، مانند جنگ، نیاز است.» - یوسف ویتز، ۲۰ دسامبر ۱۹۴۰، مدیر بخش زمین‌های صندوق ملی یهود

«ما باید [روستاهای فلسطینی] را نابود کنیم.» - دیوید بن‌گوریون، ۱۹۴۸، سخنرانی عمومی در طول نَکبه

این بیانیه‌های تاریخی — فراخوان‌های صریح برای انتقال، استفاده از جنگ به‌عنوان «لحظه مناسب»، و نابودی روستاها — یک منشأ علی را تأسیس می‌کنند: سلب مالکیت در زمان تشکیل دولت قصد شده بود، نه صرفاً نتیجه اتفاقی نیازهای جنگی.

۲. نهاده‌سازی: اشغال، شهرک‌سازی، و ساختار حقوقی (۱۹۶۷-۲۰۰۰)

پس از سال ۱۹۶۷، سلب مالکیت نهاده‌سازی شد:

- اقدامات حقوقی و اداری، تصاحب زمین، ساخت شهرک‌ها، و مهندسی جمعیتی را پایه‌گذاری کردند.
- برنامه‌ریزی و زیرساخت‌ها — جاده‌ها، مسیرهای دوربرگردان، بلوک‌های شهرک‌سازی — حاکمیت فلسطینی و پیوستگی سرزمینی را به تدریج غیرممکن‌تر کردند.
- کنترل منابع — آب، زمین، و انرژی — به ابزاری برای طرد تبدیل شد، نه صرفاً حکمرانی.

این مرحله، نیت ایدئولوژیک را به ساختارهای پایدار تبدیل کرد: قوانین، بوروکراسی‌ها، و محیط ساخته‌شده‌ای که دوام شهرک‌نشینان و استخراج اقتصادی را ترجیح می‌داد.

خفگی اقتصادی: محاصره غزه و محرومیت از منابع (۲۰۰۷–۲۰۲۳)

محاصره غزه و محدودیت‌های سخت‌گیرانه توسعه‌ای اثری دوگانه داشت: به عنوان اقدامات امنیتی معرفی شدند، اما در عمل اقتصاد غزه را منجمد کردند و مانع توسعه زیرساخت‌ها و منابع (به‌ویژه میدان گازی غزه مارین) شدند. میدان گازی فراساحلی که در سال ۲۰۰۰ کشف شد — با تخمین حدود ۱ تریلیون فوت مکعب — یک دارایی بالقوه حاکمیتی برای فلسطینی‌ها بود؛ اما به جای آن، بدون بهره‌برداری باقی ماند و به یک جایزه نهفته تبدیل شد.

این توسعه‌نیافتگی عمدی دو اثر علی مرتبط با رویدادهای بعدی داشت:

۱. جمعیت را از نظر اقتصادی آسیب‌پذیر نگه داشت و جابجایی را امکان‌پذیرتر کرد. ۲. منابع و ساحل را به عنوان دارایی‌های استفاده‌نشده حفظ کرد که برای سرمایه‌گذاران آینده جذاب بود، هنگامی که شرایط سیاسی اجازه می‌داد.

اکتبر ۲۰۲۳: فرصت تاکتیکی، نه منشأ

اکتبر ۲۰۲۳ بهانه‌ای عمومی فراهم کرد: یک بحران امنیتی که می‌توانست برای توجیه اقدامات نظامی گسترده، جابجایی جمعی، و تخریب خارق‌العاده استفاده شود. اما نکته علی حیاتی این است که طرح غیرقابل‌زیست کردن غزه از مدت‌ها قبل طراحی شده بود؛ آنچه تغییر کرد، امکان سیاسی و عملیاتی اجرای آن در مقیاس بزرگ بود.

توالی علی و قابل پیش‌بینی است:

- نیت دیرینه و ابزارهای نهادی → ظرفیت ساختاری برای انجام عملیات گسترده؛
- یک رویداد کاتالیزوری (جنگ) → پوشش سیاسی برای تشدید؛
- تخریب گسترده → شرایط غیرقابل‌زیست و جابجایی؛
- برنامه‌ریزی عمومی و خصوصی برای بازسازی → فاز کسب درآمد.

از تخریب به بازسازی: بیانیه‌های عمومی به عنوان شواهد نیت

گذار از خشونت به بازسازی توسط بازیگران سیاسی و تخیلات تجاری به طور آشکار اعلام شده است. این بیانیه‌ها حاشیه‌ای نیستند؛ آن‌ها نقشه‌برداری عمومی از انگیزه سود بر سلب مالکیت را تشکیل می‌دهند.

بیان‌های کلیدی عمومی شامل موارد زیر است:

- فلایر لیکود (اکتبر ۲۰۲۴): «آماده سازی برای شهرک سازی در غزه ... غزه مال ماست. برای همیشه!» — شعار بسیج در سطح حزب که یک حزب حاکم را با گسترش شهرک نشینی در غزه هم راستا می کند.
 - ایتامار بن گویر (اکتبر ۲۰۲۴): «ما مالکان زمین هستیم» — لفاظی مستقیم مالکیت که انتقال را مشروع می سازد.
 - بزالل اسموتریچ (۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵): غزه یک «گنج املاک» است، با مذاکراتی درباره «چگونه درصدهای زمین را تقسیم خواهیم کرد». این تخریب را به عنوان مقدمه ای برای تقسیم غنایم معرفی می کند.
 - پیشنهادات و بیانیه های ایالات متحده (۲۰۲۴-۲۰۲۵): از اظهارات جرد کوشنر درباره ساحل «بسیار ارزشمند» تا ایده های منتشر شده برای یک «صندوق بین المللی املاک»، و پیشنهاد رئیس جمهور ترامپ در فوریه ۲۰۲۵ که ایالات متحده باید «غزه را تصاحب کند»، گفت و گو اکنون شامل سرمایه بین المللی و امانت داری خصوصی شده است.
 - طرح هایی برای «شهرهای هوشمند» مبتنی بر هوش مصنوعی و یک گیگافکتوری به سبک تسلا، روایت سرمایه گذار را کامل می کنند.
- این بیانیه ها از نظر حقوقی و علی اهمیت دارند: آن ها نیت را مستند می کنند، ذی نفعان را مشخص می کنند، و عملیات را از یک اقدام جنگی موقت به یک تبدیل اقتصادی عمدی کاهش می دهند.

مشاهده مارکس و رفتار سرمایه

سرمایه از آشوب و نزاع می گریزد و طبیعتاً محتاط است. این کاملاً درست است، اما کل حقیقت نیست. سرمایه از نبود سود یا سود بسیار کم وحشت دارد، همان طور که طبیعت از خلأ با سود متناسب، سرمایه جسور می شود. ده درصد مطمئن، و می توان آن را همه جا به کار برد؛ بیست درصد، سرزنده می شود؛ پنجاه درصد، به طور مثبت ماجرأجو؛ در صد درصد، همه قوانین انسانی را زیر پا می گذارد؛ در سیصد درصد، هیچ جرمی نیست که آن را به خطر نیندازد، حتی به قیمت دار. اگر آشوب و نزاع سود بیاورد، هر دو را تشویق خواهد کرد. اثبات: قاچاق و تجارت برده. - کارل مارکس، سرمایه، ۱۸۶۷

مشاهده مارکس، که در بالا نقل شده، توضیح می دهد که چرا باید انتظار چنین پروژه هایی را داشت وقتی سود عظیم است. سرمایه نسبت به ریسک حساس است: بازده کم، احتیاط را پرورش می دهد؛ بازده بالا، جسارت را. نردبان تشدید مارکس — ۱۰٪، ۲۰٪، ۵۰٪، ۱۰۰٪، ۳۰۰٪ — روشی برای فهمیدن چگونگی فرسایش محدودیت های حقوقی و اخلاقی توسط انتظارات سود فزاینده است. وقتی سرمایه گذار بتواند اجاره های عظیمی از بازسازی ساحل، خوشه های فناوری، و استخراج گاز انحصاری پیش بینی کند، محاسبه اخلاقی تغییر می کند: ممنوعیت های حقوقی به عنوان هزینه های تراکنش بازتعریف می شوند که باید مدیریت شوند، نه موانع مطلق.

در اینجا اعمال شده:

- ساحل غزه به علاوه پرمیوم «شهر هوشمند» به علاوه یک میدان گازی استراتژیک، یک بردار سود عظیم ایجاد می کند.
- این بردار انگیزه ای برای بازیگران سیاسی فراهم می کند تا تخریب را به یک فرصت سرمایه گذاری تبدیل کنند.
- جایی که مصونیت سیاسی و حقوقی وجود دارد، تمایل مارکسی سرمایه به «تشویق آشوب و نزاع» وقتی سودآور باشد، به یک نیروی عملی سیاست گذاری تبدیل می شود، نه صرفاً یک اصل تحلیلی.

مکانیزم های مالی: چرا سرمایه گذاران علاقه مند می شوند

مورد سرمایه‌گذاری که به صورت عمومی بحث می‌شود، دقیقاً بر محاسبات کلاسیک سرمایه منطبق است:

- پرمیوم کمبود: ساحل مدیترانه در منطقه نادر است — کمبود ارزش هر متر مربع را افزایش می‌دهد.
- ارزش‌گذاری خوشه‌های فناوری/هوش مصنوعی: برندینگ «شهر هوشمند» و مرکز فناوری می‌تواند ارزش زمین را به صورت تصاعدی افزایش دهد و حامیان دولتی و خصوصی را جذب کند.
- لنگر صنعتی: یک گیگافکتوری یا کارخانه خودروهای برقی/باتری، تقاضای صنعتی، زنجیره‌های تأمین، و ضریب‌های اقتصادی ایجاد می‌کند که ارزش دارایی‌ها را بیشتر افزایش می‌دهد.
- بازده انرژی: درآمدها از صادرات گاز و اهرم استراتژیک در بازارهای انرژی منطقه‌ای، جریان درآمدی فوری را اضافه می‌کند.

این بازده‌های ترکیبی می‌توانند ریسک‌پذیری خارق‌العاده، از جمله ریسک حقوقی، را توجیه کنند، اگر پوشش سیاسی و تأمین مالی تضمین شود — دقیقاً همان زمینی که مارکس درباره آن هشدار داد.

پیامدهای حقوقی: جرایم، تعهدات، و همدستی

پیگیری زنجیره علی از نیت تاریخی تا طرح‌های کنونی، مجموعه‌ای از ممنوعیت‌ها و وظایف حقوقی را به دنبال دارد:

اعمال ممنوعه و جرایم بین‌المللی

- انتقال اجباری → جرم جنگی و به طور بالقوه جرم علیه بشریت.
- انتقال شهرک‌نشین / الحاق → نقض ماده ۴۹(۶) کنوانسیون چهارم ژنو و قانون عرفی.
- غارت / بهره‌برداری از منابع → جرم جنگی و تصاحب غیرقانونی.
- اعمال یا نیت نسل‌کشی → تحت کنوانسیون نسل‌کشی و اساسنامه رم؛ اقدامات موقت دیوان بین‌المللی دادگستری (ژانویه ۲۰۲۴) خطر معقول نسل‌کشی را تأیید کرد؛ یافته‌های بعدی COI و ارزیابی‌های سازمان‌های غیردولتی این اصطلاح را صراحتاً استفاده کرده‌اند.

وظایف دولت‌های سوم و همدستی

- وظیفه پیشگیری (کنوانسیون نسل‌کشی): هنگامی که یک دولت از خطر جدی آگاه شود، باید اقداماتی برای پیشگیری از نسل‌کشی انجام دهد؛ بی‌عملی یا حمایت مادی خطر همدستی را به دنبال دارد.
- عدم به رسمیت‌شناسی و عدم کمک (راهنمایی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری): دولت‌ها نباید موقعیت‌های غیرقانونی ناشی از نقض‌های جدی هنجارهای آمره را به رسمیت بشناسند یا کمک کنند.
- مسئولیت شرکتی و مالی: تأمین‌کنندگان مالی و پیمانکاران با ریسک‌های جدی اعتباری، نظارتی، و حقوقی بالقوه تحت چارچوب‌های داخلی و بین‌المللی برای کمک به تخلفات مواجه‌اند.

اهمیت اثباتی طرح‌های عمومی

- سخنرانی‌های عمومی، فلایرها، یادداشت‌های سیاسی و اسناد برنامه‌ریزی، نیت لفظی را به شواهد مستند تبدیل می‌کنند — بسیار مرتبط در روندهای قضایی یا شبه‌قضایی (دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه‌های ملی).

بازنگری علّت: چگونه گذشته، حال را ممکن ساخت

۱. نیت (دوران نّکبه) یک مسیر ایدئولوژیک و سیاسی برای سلب مالکیت ایجاد کرد. ۲. نهادهای سازی (پس از ۱۹۶۷) دستگاه اداری و فیزیکی را برای پایداری سلب مالکیت ساخت. ۳. خفگی اقتصادی (محاصره) دارایی‌های استفاده‌نشده (گاز، ساحل) را حفظ کرد در حالی که جامعه را تضعیف کرد. ۴. محرک (اکتبر ۲۰۲۳) بهانه عمومی و پوشش عملیاتی برای تخریب گسترده فراهم کرد. ۵. بازسازی عمومی (۲۰۲۴-۲۰۲۵) پیامدها را به یک سناریوی سرمایه‌گذاری تبدیل کرد که سرمایه را با سلب مالکیت هم‌راستا کرد.

این زنجیره علیّ نشان‌دهنده ظلم تصادفی نیست، بلکه یک برنامه سیاسی-اقتصادی عمدی است.

نتیجه‌گیری: انتخاب پیش روی جامعه بین‌المللی

اکنون موضوع در سه حوزه روشن است:

- تاریخی: سلب مالکیت ریشه‌های عمیقی دارد و بارها توسط نخبگان بیان شده است.
- سیاسی-اقتصادی: انگیزه برای کسب درآمد از ساحل و گاز غزه، انگیزه‌ای برای پاکسازی خشونت‌آمیز ایجاد می‌کند.
- حقوقی: اقدامات و طرح‌های دخیل ممنوع هستند؛ دولت‌ها وظیفه دارند پیشگیری، تحقیق، مجازات، و جلوگیری از همدستی را انجام دهند.

بینش مارکس که سرمایه «آشوب و نزاع» را تشویق می‌کند وقتی انتظار سود خارق‌العاده دارد، در اینجا استعاره نیست — هشدار درباره انگیزه‌هاست. جایی که بازده مالی عظیم و اجرای حقوقی ضعیف است، بازارها به دنبال سود از خشونت خواهند بود. راه‌حل ساده اما از نظر سیاسی دشوار است: اجرای قوانین بین‌المللی، مسدود کردن تأمین مالی و بیمه‌ای که این پروژه را ممکن می‌سازد، پیگیری مسئولیت کیفری، و حفظ وظیفه کنوانسیون نسل‌کشی برای پیشگیری.

منابع

- بن‌گوریون، دیوید. نامه به پسرش، ۵ اکتبر ۱۹۳۷.
- ویتز، یوسف. دفترچه خاطرات، ۲۰ دسامبر ۱۹۴۰، صندوق ملی یهود.
- بن‌گوریون، دیوید. سخنرانی در طول نّکبه، ۱۹۴۸.
- فلاير حزب ليکود، «آماده‌سازی برای شهرک‌سازی در غزه»، اکتبر ۲۰۲۴.
- بزّال اسموتريچ، وزیر دارایی، بیانیه در کنفرانس املاک تل‌آویو، ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵.
- ایتامار بن‌گویر، بیانیه در کنفرانس «شهرک‌سازی در غزه»، اکتبر ۲۰۲۴.
- دانیلا ویس، اظهارات گروه شهرک‌نشین نا‌حالا، ۲۴-۲۵.
- دونالد ترامپ، کنفرانس مطبوعاتی با نتانیاهو، ۴ فوریه ۲۰۲۵؛ مصاحبه فاکس نیوز، ۱۰ فوریه ۲۰۲۵.
- جرد کوشنر، رویداد هاروارد، فوریه ۲۰۲۴؛ بازنشر رسانه‌ای، فوریه ۲۰۲۵.
- طرح‌های مشترک ایالات متحده-اسرائیل، گزارش واشنگتن پست، ۳۱ اوت ۲۰۲۵؛ سند دولت ترامپ، ۱ سپتامبر ۲۰۲۵.
- کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی، ۱۹۴۸.
- کنوانسیون چهارم ژنو، ۱۹۴۹.
- منشور سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵.

- اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، ۱۹۹۸.
- دیوان بین‌المللی دادگستری، پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین، نظر مشورتی، ۲۰۰۴.
- دیوان بین‌المللی دادگستری، کاربرد کنوانسیون نسل‌کشی (بوسنی علیه صربستان)، رأی، ۲۰۰۷.
- دیوان بین‌المللی دادگستری، کاربرد کنوانسیون نسل‌کشی (آفریقای جنوبی علیه اسرائیل)، اقدامات موقت، ژانویه ۲۰۲۴.